

الگوی موفق فرهنگ‌سازی در سیره عملی امام خمینی (ره)

فرزانه جعفری^۱

سیدجلال موسوی^۲

چکیده

فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه حیات و قدرت یک جامعه است. ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، فرهنگ اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکان‌پذیر است. مقاله حاضر به دنبال یافتن الگو و روش‌های فرهنگ‌سازی بی است که توانست جامعه ایرانی - اسلامی را از قهقراهای فرهنگی سربلند بیرون آورد. در این مقاله که با روش مطالعه اسناد - مدارکی (کتابخانه‌ای) به بررسی سیره، آثار و سخنان امام (ره) پرداخته است. ابتدا اصول مورد تأکید ایشان در ایجاد و اصلاح فرهنگ، استخراج شده، سپس شیوه اجرای آن‌ها با ذکر مصادیقی در سیره عملی‌شان ذکر شده است. البته از نقش مدیریت فرهنگی ایشان نیز نباید غافل شد. این شیوه خاص فرهنگ‌سازی امام (ره) الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی را به جهان امروز عرضه نمود.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، فرهنگ، فرهنگ‌سازی، الگو، سیره عملی.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه؛ jafari.12@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی؛ musavi14@yahoo.com

مقدمه

بی‌شک تحقیق در باب مقوله فرهنگ و جلوه‌های درخشان آن فراتر از کنجکاوی و کسب آگاهی است. غور و جستجو و گفتگو در عرصه‌های متنوع فرهنگ، آن هم با رویکردی به اندیشه‌های بلند حضرت امام خمینی (ره)، "معمار فرهنگ انقلاب" بیش از هر چیز نشانه نیاز و ضرورتی است که امروزه نظام و جامعه احساس می‌نماید. «انقلاب ایران از جنبه‌های بسیار وسیع، یک انقلاب فرهنگی بود» (پروفسور حمید مولانا، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۶ و ۷، ص ۲۲) و با سرنگونی رژیم وابسته پهلوی و با پیروزی خود در عرصه بین‌المللی توانست دل‌های مشتاق دین را به سوی خود جلب نموده و برای حل مشکلات کلان جهان و زندگی بشر امروزی راه‌حلی ارائه دهد که با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب، همگان - حتی دشمنان این نگرش - اعتراف به موفقیت این روش‌ها نمایند.

به همین دلیل، بررسی فرهنگ و سیر آن در سیره عملی امام خمینی (ره)، از جمله مباحثی است که با نقد و بررسی صحیح آن، می‌توان به نتایج پربراری رسید که در زمان کنونی نیز با به‌کارگیری آن‌ها، راه‌حل بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه پاسخ داده خواهد شد و می‌توان به یک مدیریت مناسب فرهنگی دست یافت.

تعریف فرهنگ

در مورد "فرهنگ" تعاریف متعدد و متنوعی وجود دارد. «فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی تولید می‌نمایند» (آنتونی گیدنز؛ به نقل از: کیخا، حضور، ۱۳۸۱، ش ۴۳).

کمیته برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و هنر، مفهوم فرهنگ را در اولین برنامه پنج‌ساله دولت جمهوری اسلامی ایران چنین تبیین نموده است: «فرهنگ کلیت هم‌تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی می‌باشد». و یا «مجموعه‌ای از قواعد ناشناخته و چیزهایی که به عنوان امور طبیعی گرفته می‌شوند و در واقع به مسائل غیر علمی بستگی دارند» (بهداروند، ج ۵، ص ۲۷).

با توجه به تعاریف فرهنگ می‌توان گفت که فرهنگ، محتوای باطنی و چارچوبه ذهنی افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهد. شخصیت افراد متأثر از فرهنگ خاص جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کنند و تظاهرات خارجی افراد که به صورت آداب و سنن و هنجارهای اجتماعی آنان نمود می‌یابد، برگرفته از مایه‌ها و باورداشت‌های درونی آنان است. لذا فرهنگ دارای دو سطح ذهنی و مادی است. بدین صورت که سطح ذهنی آن به صورت زیربنا عمل نموده و با تغییر خود در سطح مادی ایجاد تغییر و تحول می‌نماید.

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم فرهنگ، مشخص‌کننده شیوه نگاه و برخورد ما با مسائل است (کیخا، ۱۳۸۱، حضور، ش ۴۳) و به طور کلی می‌توان آن را در اصطلاح به معنی "ایده، آرمان و عقیده آن جامعه" (بهداروند، ج ۵، ص ۲۷) دانست.

بر این اساس، فرهنگ حاکم بر جامعه به عنوان یک پدیده پویا و اثرگذار می‌بایست هدایت و کنترل شود و به بیان بهتر مدیریت شود. امام خمینی (ره) در تعریف و ماهیت فرهنگ می‌فرماید:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۶).

«اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

جایگاه و اهمیت فرهنگ و فرهنگ‌سازی

فرهنگ یک جامعه ضرورتاً ریشه در کلیه مسائل آن جامعه دارد. به عبارت دیگر هرچند حفظ یک جامعه بستگی به برقراری روابط سیاسی و اقتصادی دارد، لیکن نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاست‌گذاری و بخش‌های دیگر همه متأثر از فرهنگ آن جامعه است.

بنابراین یک جامعه اگر در بُعد فرهنگی استقلال مطلوب خود را به دست نیاورد، بدون تردید در ابعاد دیگر همچون اقتصاد و سیاست، توان مطلوبی را در جهت فرهنگ مورد قبولش به دست نخواهد آورد؛ زیرا در هر بخش از ساختارهای یک جامعه اهداف خاصی مدنظر است و به همین دلیل است که در جوامع مختلف امروزی، نظام اقتصادی و نظام سیاسی آن‌ها نیز با فرهنگ متفاوت می‌باشد. نظام‌های اقتصادی و سیاسی دارای اشکال گوناگونی هستند و هر جامعه‌ای بر اساس ایده و آرمان خود شکلی از آن نظام‌ها را برمی‌گزیند که تطابق و تناسب بیشتری با فرهنگ ملی خود داشته باشد تا در رسیدن به هدف، ناسازگاری درونی به وجود نیاید.

از نظر امام خمینی (ره)، اهمیت فرهنگ، نخست به دلیل جایگاهی است که در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگر به سبب نقشی است که در پیشرفت یا انحطاط جوامع ایفا می‌کند (عابدی اردکانی، حضور، ۱۳۸۰، ش ۳۶). در رابطه با جنبه اول، می‌فرماید:

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد... استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

«فرهنگ اساس ملت است. اساس ملیت یک ملت است. اساس استقلال یک ملت است» (همان، ج ۷، ص ۵۷).

در رابطه با بُعد دوم نیز می‌فرماید:

«فرهنگ... بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد» (همان، ج ۷، ص ۴۷۳).

«رأس همه اصلاحات اصلاح فرهنگ است (همان، ج ۱۰، ص ۳۵۶). راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود... اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می‌شود.» (همان، ج ۱، ص ۳۹۰)

«درباره فرهنگ هرچه گفته شود کم است. و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند، و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند، و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند، و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند، و نسل آتیه را آن چنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند، و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور خود، آن آورد که در طول ستم‌شاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمده.» (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۲-۳۲۳)

یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت فرهنگ‌سازی از دید ایشان، وجود فرهنگ استعماری حاکم بر جامعه در دوره پهلوی بوده است که بعضی از آثار منفی آن عبارت‌اند از: شخصیت‌کشی و نفی هویت مذهبی و ملی، ترویج فساد و فحشا و عیش و نوش، غفلت و بی‌خبری و بی‌بند و باری، شست و شوی مغزی جوانان... . امام خمینی (ره) به کرات ملت ایران را نسبت به این فرهنگ و آثار شوم آن هشدار می‌دهد: «...فرهنگ ما... عقب افتاده است و نمی‌گذارند یک فرهنگ مستقلی ما داشته باشیم. فرهنگ تبع است، تبع اراده سفارتخانه‌هاست.» (همان، ج ۴، ص ۴۶۸)

و گاه از آن به عنوان مصیبت بزرگ یاد می‌کند:

«مصیبت بزرگ برای مسلمین همین فرهنگی است که در بین مسلمین رواج پیدا کرده و جوان‌های ما را می‌کشاند یا به آن طرف یا به آن طرف [شرق یا غرب]» (همان، ج ۱۲، ص ۳۱۹).

بدیهی است که از نظر ایشان، این فرهنگ منحط و استعماری و تبعی، هر چه زودتر باید اصلاح شود:

«راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند؛ نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند؛ نمی‌گذارد در دانشگاه جوان‌های ما درست رشد بکنند. این‌ها را از بچگی یک طوری می‌کنند که وقتی بزرگ شدند، اسلام هیچ و آن‌ها همه، همه چیز. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود. برای این‌که از فرهنگ است که در وزارتخانه‌ها می‌رود؛ از فرهنگ است که در مجلس می‌رود؛ از فرهنگ است که کارمند درست می‌شود.» (همان، ج ۱، ص ۳۹۰)

فرهنگ ایران را یک فرهنگ استعماری کردند و مغزهای جوانان ما را به طرف غرب سوق داده بودند. جوان‌ها را باید اصلاح کنیم. تعلیمات باید تعلیمات غیر استعماری، و استقلالی باشد. (همان، ج ۱۱، ص ۴۲۳)

بدین ترتیب از نظر امام، تبدیل فرهنگ تبعی و استعماری به فرهنگ استقلالی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و منظور امام (ره) از فرهنگ استقلالی، فرهنگ اسلامی است. یعنی از نظر ایشان، اصلاح فرهنگ، بازگشت به فرهنگ اصیل و ناب اسلامی است:

باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد، اگر ما موفق بشویم به این که فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود مدارسمان یک مدارس اسلامی بشود، [در آن صورت] افرادی که تربیت می‌شوند در آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند. (همان، ج ۸، ص ۱۰۷-۱۰۸)

اصول مورد تأکید امام (ره) در فرهنگ‌سازی

از نظر امام خمینی (ره)، برای فرهنگ‌سازی لازم است به چند اصل زیر تأکید و توجه داشت:

- فرهنگ‌سازی بر مبنای فرهنگ اسلامی و با هدف اسلام است و در همین چارچوب شکل می‌گیرد. محک حضرت امام در تمام امور اسلام بود. جمله معروف ایشان که ما مأمور به تکلیفیم (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۴)، نشان از عمق این بینش در ایشان دارد. بنابراین مبنای فرهنگ‌سازی و حدود و چهارچوب آن را هم اسلام است که تعیین می‌نماید. «انسان در کارهایش، چه در تشکیل حکومتش، چه در انقلاب فرهنگی‌اش، چه در انقلابات دیگرش [باید] نظرش این باشد که یک کار الهی کرده باشد، آن پیش خدا ارزش دارد مثل انبیا، انبیا کارشان به واسطه این ارزش داشت - نه برای عمق کارشان و ... سعه کارشان» (همان، ج ۱۹، ص ۴۴۵).
و برای جلوگیری از انحراف از هدف دائماً و در هر فرصتی یادآور می‌شود: «ملت ما باید متوجه باشد که اسلام است و قضایای اسلام در کار است و ما تبع اسلام داریم جنگ می‌کنیم، دفاع می‌کنیم و به واسطه اسلام داریم دفاع می‌کنیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰).
- فرهنگ‌سازی با همراهی همه اقشار جامعه یا اکثر آنها شکل می‌گیرد. مردم رکن اصلی در یک نظام اسلامی هستند. بنابراین در طرح‌ریزی‌ها و تصمیمات جامعه خود نقش محوری دارند. در فرهنگ‌سازی نیز می‌بایست ایشان را دخالت داد و از نقش و وجود آنها استفاده کرد، امام (ره) در پیام به مردم خواهان همکاری جدی آنها در این امر است: «مجلس و ملت و متفکران متعهد باید ... اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس - از دبستان تا دانشگاه - را جدی بگیرند. و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. اشخاصی معدود قدرت ندارند تا این امر عظیم‌الحجم مهم را اصلاح کنند و صددرصد آن را اسلامی و ملی و در خدمت کشور قرار دهند.» (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۳)
و در توصیه به مسئولین می‌فرماید: «مردم را در امور شرکت بدهید ... مردم را در فرهنگ شرکت بدهید. مدارس که مردم می‌خواهند درست کنند کارشکنی نکنید.» (همان، ج ۲۰، ص ۵۵-۵۶) «دانشگاه‌ها باید مردم درش دخالت داشته باشند؛ مردم خودشان به طور آزاد باید دانشگاه داشته باشند. متنها دولت نظارت باید بکند، نظارت دولت حتمی است؛ لکن این طور نباشد که خیال کنید که خود دولت می‌تواند همه کارها را انجام بدهد... همه اعتراف دارند بر این که بدون ملت ما نمی‌توانیم.» (همان، ج ۲۰، ص ۵۷)

• فرهنگ‌سازی در ضمن برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت شکل می‌گیرد.

در تدوین یک برنامه جامع باید هر دو نوع برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت را در نظر داشت. چه‌بسا در حل یا اصلاح بسیاری از مسائل، به دلیل پیچیدگی و ممزوج شدن با ریشه‌های یک ملت، باید برای آن برنامه‌ریزی بلندمدت داشت که با گذشت نسل‌ها و یا زمانی طولانی از آن انتظار نتیجه داشت. در بحث فرهنگ نیز همین‌گونه است. در کشور ما به دلیل وجود سال‌ها استعمار و استبداد، توجه به این مقوله اهمیت بیشتری دارد.

«مَثَلُ كُشُورٍ مَا مَثَلُ بِيْمَارِيٍّ اَسْتِ كِه لَاقِلْ پَنجَاه و چند سال بیماری کشیده است و همه قشرها به بیماری او دامن زدند... نباید متوقع بود که به مجرد این‌که [اینها] دامن زن‌ها خارج شدند بیمار فوراً صحیح بشود... این بیماری غربی را توقع نداشته باشید که با هشت ماه یا با هشت سال یا با بیست سال رفع بشود.» (همان، ج ۱۰، ص ۳۸۸)

• شرط موفقیت در فرهنگ‌سازی، خودسازی است.

امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر الهی و یک انسان خودساخته به خوبی می‌دانستند که منشأ اصلی وجود بی‌فرهنگی‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه وجود افراد آلوده و اصلاح‌نشده است؛ چه در رده مسئولین و چه در سطح طبقات پایین‌تر. به همین دلیل است که در مجامع مختلف و مناسبت‌های گوناگون بر این مسئله تأکید می‌کردند.

بعد از خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری متذکر می‌شوند که عامل سقوط، عدم خودسازی است: «آن روز من [در] یکی از حرف‌ها، که اساس همه گرفتاری‌های بشر است، تنبه دادم که حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، تمام خطاهایی که از ماها صادر می‌شود روی این حُبِّ نَفْس و جاه و مال و منال است؛ اگر این کلمه را گوش کرده بودید و هواهای نفسانی را زیر پا گذاشته بودید، این‌طور نمی‌شد» (همان، ج ۱۴، ص ۴۹۳). همچنین در جمع طلاب اصفهانی می‌فرمایند:

«شما از صفر شروع کردید، و بحمدالله تا این‌جا رسیدید... از حال اختناق شروع کردید و به آزادی رسیدید. و من امیدوارم که تا آخر، تا آن‌جا که مقام انسان است - یعنی لایتناهی - همه برسید. امیدوارم که انسان‌های آگاه و آگاهی‌دهنده‌ای باشید. شما آقایان همان‌طور که شغلان محترم و شریف است، مسئولیتان زیاد است. شما باید خودتان را بسازید، و بعد ملت را بسازید. خودسازی به این‌که تمام ابعادی که انسان دارد، و انبیا آمدند برای تربیت آن - تمام ابعاد را - ترقی دهید.» (همان، ج ۸، ص ۲۶۷)

و یا در جمع ایرانیان مقیم خارج، بیان می‌کنند:

«باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به این‌که تبعیت [کنید] از احکام خدا: هرچه فرموده است اطاعت.» (همان، ج ۵، ص ۱۶۹)

ایشان از اولین قدم‌های اصلاح دانشگاه را اصلاح افراد دانسته و در جمع اساتید می‌گویند:

«اصلاح کنید این‌ها را... اگر بخواهید مستقل باشید. این چیزها را در صدد برآیید اصلاحش بکنید. همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان. اول اصلاح آدم‌ها را بکنند که مقدم بر همه چیز است.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۷-۲۸)

شیوه‌های فرهنگ‌سازی از نگاه امام (ره)

امام خمینی (ره) برای فرهنگ‌سازی از شیوه‌های خاصی استفاده کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به شیوه‌های زیر اشاره نمود:

۱. تبیین روشن راه و اصول

۱-۱ تفکیک از راه‌های انحرافی و پرهیز از افراط و تفریط

همان‌طور که ذکر شد، محک امام (ره) در برخورد با مسائل، اسلام بود. بنابراین تعریف ایشان از اعتدال و راه مستقیم همان تعاریف اسلام و صراط مستقیم الهی است. در سیره عملی ایشان نیز در مواجهه با خطوط انحرافی و یا افراط و تفریط‌کاری‌ها، هر جا که مخالف مبانی اسلامی می‌باشد، ایشان با شدت در مقابل آن‌ها می‌ایستاد؛ از احزاب و گروه‌ها گرفته تا روحانیت و مسئولین مملکتی. در واقع بیان صریح افراط و تفریط‌ها خود عامل بسیار خوبی در مصونیت جامعه در ضمن فرهنگ‌سازی است که موارد آن در سیره ایشان بسیار زیاد است.

۲-۱ تعریف دقیق اصطلاحات دخیل در فرهنگ‌سازی

امام (ره) در برخورد با مسائل روز، اصرار بر توجه به باطن و عمق مسائل را داشتند و هیچ‌گاه ارزیابی و مواضع خودشان را بر اساس داوری دولت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی قرار نمی‌دادند. چنان‌چه در مورد واقعیت حقیقی سازمان‌هایی چون ملل متحد، شورای امنیت و دفاع از حقوق بشر می‌فرماید:

«از اموری که برای همه ما لازم است، این است که ما یک توجهی به مسائل دنیا بکنیم، ببینیم وضعش چه جوری است... سازمان‌های امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می‌کند، می‌بیند که سازمان ناامنی است، نه سازمان امن؛ اما اسمش سازمان امن است. جمعیت‌های طرفدار بشر را انسان [نگاه] می‌کند، می‌بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالم‌اند، ... وقتی بنا باشد که سازمان‌های بزرگ دنیا اختیارش دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی‌شود گفت که این امنیت بشر، سازمان طرفدار بشر» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۳۱).

در مورد اصطلاحات فرهنگی و اجتماعی نیز مسئله همین‌گونه است:

«در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده‌اند. ما در یک عصری واقع شده‌ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده‌اند؛ یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنای عدالت را وقتی انسان نگاه می‌کند در دنیا، الان یک جور دیگر است؛ معنای خلقی بودن را آدم ملاحظه می‌کند، می‌بیند یک وضع دیگری دارد.» (همان)

برای مثال مفاهیمی همچون آزادی که همواره مورد سوءاستفاده گروه‌ها و احزاب و دولت‌های استعماری بوده را می‌توان مدنظر قرار داد. امام خمینی (ره) با به‌کارگیری این اصطلاح در بحبوحه انقلاب و در پاسخ به خبرنگار مجله اکسپرس در پاریس که رژیم مورد نظر ایشان را یک استبداد مذهبی می‌داند، می‌فرماید:

«رژیمی که ما می‌خواهیم، رژیم "جمهوری اسلامی" است و در اسلام آزادی به طور مطلق است مگر آنچه به حال ملت و کشور ضرر داشته باشد و موجب مفسده‌ای باشد.» (همان، ج ۵، ص ۴۱۹)

ایشان «آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استبعاد» (همان، ج ۲۱، وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۴۰۵) را از ملزومات حفظ جامعه می‌دانند. همچنین اسلام را مدافع مباحثی همچون مدرنیته و تجددگرایی معرفی کرده و در بیان حدود آن می‌فرماید:

«در اسلام تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است مگر آن‌هایی که فساد اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند» (همان، ج ۵، ص ۲۶۲). «ما با سینما مخالف نیستیم. ما با مرکز فحشا مخالفیم... ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب‌نگهداشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟» (همان، ج ۶، ص ۱۵). «ما با صنعت مخالف نیستیم... روحانیت با ترقی مخالف نیست. با ترقی محمد رضایی مخالف است.» (همان، ج ۱۰، ص ۷).

بنابراین ایشان با تعریف دقیق و برشمردن حدود و مصادیق مفاهیمی که ممکن است مورد سوءاستفاده دشمنان و یا ابهام مردم شود، به طور واضح راه و اصول را بیان می‌دارند.

۲. ترویج روحیه خودباوری، خوداتکایی و توسعه

بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین انگیزه‌های امام در قیام علیه نظام شاهنشاهی، وابستگی رژیم به قدرت‌های بیگانه بوده است. خودباختگی، سلطه‌پذیری، از خود بیگانگی و غرب‌زدگی عناصری است که سال‌ها روح ملت را آزرده است. البته تعامل فرهنگ‌ها و داد و ستد در آن امری طبیعی است. داشتن علم دیگران، فرهنگ دیگران و صنعت دیگران تا آن‌جا که به سلطه‌گری نینجامد مسئله‌ای نیست؛ بلکه اسلام به فراگیری آن مسلمانان را واداشته است.

تلاش بزرگ امام (ره)، تزریق روحیه خودباوری و خوداتکایی به کالبد جامعه بود که اگر این معمای روحی و فکری حل شود، اولین و اساسی‌ترین قدم برای رسیدن به خودکفایی و استقلال برداشته شده است.

«قدم اول زدودن یأس از دل‌هاست ... ما خودمان باید خودمان را نجات بدهیم» (همان، ج ۱۹، ص ۳۴۱ و ۴۱۰). «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است... شما چنان‌چه باورتان آمده باشد که نمی‌توانید صنعت درست بکنید و نمی‌توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است خودتان آن‌ها را درست بکنید، تا این باور هست، نمی‌توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۰۶-۳۰۷)

به همین دلیل ایشان نه تنها تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی ایران توسط قدرت‌های استکباری را تهدید ندانسته، بلکه آن را فرصتی مغتنم می‌دانند که ملت می‌تواند به خودش متکی شود:

«ما از این انزوا نمی‌ترسیم؛ ما استقبال می‌کنیم یک همچو انزوایی را که ما را وادار می‌کند که خودمان به فکر خودمان بیفتیم» (همان، ج ۱۳، ص ۳۱۲). «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۳)

توجه به غنای فرهنگ بومی و هویت اسلامی و ملی در سخنان ایشان نیز یکی دیگر از راه‌های خودباوری و موفقیت در توسعه فرهنگی است.

«آن چیزی که وظیفه همه ما ... هست... این است که یک هوشیار بدهند به این ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ داریم، ما خودمان فرهنگ غنی داریم. فرهنگ ما طوری بوده است که صادر شده است به خارج، و آن‌ها گرفتند از ما. کُتبی که در ایران و در ممالک اسلامی نوشته شده کُتبی بوده است که آن‌ها گرفتند و از آن استفاده کرده‌اند. فرهنگ این شرق... فرهنگ مسلمین، غنی‌ترین فرهنگ‌ها بوده و هست، مع الاسف مسلمین نتوانستند از آن استفاده کنند... اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است، همه چیز. قرآن در آن همه چیز است، لکن مع الاسف ما استفاده از آن نکرده‌ایم؛ و مسلمین مهجورش کردند؛ یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند.» (همان، ج ۱۲، ص ۳۱۹-۳۲۰)

از انبوه تأکیدات امام (ره) بر خودباوری لزوم بحث توسعه نیز به خوبی نمایان می‌شود. ایشان به طور صریح تأکید داشتند که برای دستیابی به پیشرفت و اصلاح مملکت در جهت اهداف انقلاب باید فرهنگ ضد توسعه‌ای به فرهنگ موافق توسعه و پیشرفت اصلاح شود. بنابراین تحول در فرهنگ موافق جهت توسعه، می‌تواند مقدمه‌ای برای توسعه در ابعاد گوناگون باشد.

۳. به کارگیری همه امکانات موجود در فرهنگ‌سازی

امام خمینی (ره) در تمام طول دوران زندگی پربرکت‌شان از هیچ فرصتی در جهت فرهنگ‌سازی دریغ نمی‌کردند و تنها به توصیه و سخنرانی اکتفا نمی‌نمودند. به طور مثال در جایی که قادر به صحبت مستقیم نبودند، در مکتوباتشان مسئله مورد نظر را ذکر می‌کردند یا در اعلامیه‌ها و یا در کلاس درس و یا حتی با دادن فتوا - در مقام مرجعیت - مقصود خود را بیان می‌داشتند. برای نمونه وقتی ایشان رساله خود را به چاپ رساندند، برخلاف سایر مراجع زمان، مسائلی را در رساله‌شان آوردند که حکم اعلامیه را داشت و رسماً دولت ایران را غاصب اعلام کرده و همکاری با آن را خیانت دانسته بودند (امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۳، ۱۳۷۳، ص ۴۵).

۱. برای توضیح بیشتر می‌توانید به «توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، محمد مهدی احمدی شاهرودی، فصلنامه حضور، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۲۵ و نیز «جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مرتضی عزتی، مجله نامه پژوهش، شماره ۱، (تابستان ۷۵)، ص ۷۹، مراجعه نمایید.

با این همه با توجه به سیره نظری یعنی مکتوب، پیام‌ها و کلام امام و سیره عملی ایشان، تقریباً تردیدی باقی نمی‌ماند که ایشان برای مراکز آموزشی و تبلیغی و رسانه‌های جمعی در ارتقاء فرهنگ عمومی اهمیت و نقش برجسته و ممتازی قائل بودند و آن‌ها را به عنوان ابزاری فرهنگی می‌شناختند.

۳-۱) مراکز آموزشی

رهنمودهای حضرت امام (ره) در خصوص نهادهای آموزشی محدودیتی ندارد و ایشان در موارد متعدد از آثار مکتوب مانند کشف‌الاسرار و چهل حدیث و در مواضع مختلف از پیام و کلام خویش به این مسئله پرداخته‌اند و این نشان از اهمیت نقش این مراکز در فرهنگ‌سازی دارد (قراملکی، حضور، ۱۳۷۴، ش ۱۲).

۳-۱-۱) آموزش و پرورش

مدارس به عنوان اولین نهادهای آموزشی وظیفه مهمی در تزکیه همراه با تعلیم بر عهده دارند: «فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش داشته باشد. همان اسم نباشد که «آموزش و پرورش». واقعیت باشد، هم تحصیل باشد به مدارج عالی و هم همراه تحصیل، تربیت باشد...؛ یک تربیت‌های اسلامی که همان تربیت‌های انسانی است. اگر چنانچه تربیت انسانی بشوند جوان‌های ما، این‌ها دیگر خیانتکار به کشور خودشان نمی‌شوند؛ این‌ها دیگر طراح نیستند برای این که منافع کشور ما را به دیگران بدهند.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۷۵)

به همین دلیل نقش معلمان در جهت تزکیه روحی دانش‌آموزان، نقشی محوری خواهد بود: «همه معلمان در فکر این باشند که خودشان را تهذیب کنند. باید خود را مهذب کنند تا حرفشان در دیگران اثر کند... باید بدانند که شغلشان بسیار مهم است. باید توجه کنند که بچه‌ها را از ابتدا خوب بار بیاورند که دانشگاه دیر است. معلمان باید احساس کنند که پیش خدا مسئولند، اگر بچه‌ها بد تربیت شوند، این‌ها هم مسئولند اگر در این مورد من و شما هم سکوت کنیم، مسئولیم.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۹۰)

و در توصیه‌ای کلی تمام مسئولین را از تسامح در این باب بر حذر می‌دارند: «باید سعی کنیم تا کسانی که فرزندان ما را فاسد بار می‌آورند به مدارس و دانشگاه‌ها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد» (همان، ج ۱۹، ص ۱۸۹).

۳-۱-۲) دانشگاه

امام (ره) نقش حوزه و دانشگاه را در تحولات فرهنگی و توسعه آن بسیار مهم ارزیابی کرده و ریشه صلاح و فساد مردم و جامعه را در آنجا می‌بیند. از این رو اجرا و تحقق اصلاح و توسعه واقعی را ابتدا در همین مراکز لازم می‌دانند (شیبانی‌فر، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۵).

نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است، ممکن است از دانشگاه انسانی خارج بشود که کشور را نجات بدهد و ممکن است یک انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند. مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی است که از دانشگاه بیرون می‌آیند، هست. بنابراین دانشگاه بزرگ‌ترین مؤسسه مؤثر است در کشور، بزرگ‌ترین مسئولیت‌ها را هم دانشگاه دارد (صحیفه امام، ج ۸، ص ۹۳).

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند... دانشگاه مبدأ همه تحولات است.» (همان، ج ۸، ص ۶۱، ۶۴)

ایشان بر این نکته تأکید دارند که فساد جامعه در دوران پهلوی از طریق تباہ کردن دانشگاه‌ها و مدارس انجام شد:

«همان‌طور که آنها انگشت روی دانشگاه می‌گذاشتند و با تمام قدرت دنبال این بودند که دانشگاه را به دست خودشان بیاورند.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۷)

توصیه ایشان برای دستیابی به دانشگاهی مستقل، اسلامی کردن دانشگاه است:

«دانشگاه را درستش کنید. دانشگاه را اسلامی اش کنید» (همان، ج ۸، ص ۶۴).

«مگر می‌شود با دانشگاه اسلامی، اسلام را شکست داد؟» (همان، ج ۱، ص ۳۰۳)

که البته مراد از اسلامی کردن در درجه اول به روح دانشگاه‌ها مربوط است و آرمان‌ها، اهداف و خلق و خوی دانشگاه‌ها باید اسلامی گردد که این خود بحث مفصلی است که در این مقاله نمی‌گنجد.

۳-۱-۳) حوزه

ایشان نقش روحانیت و حوزه‌ها را در برابر انحرافات و استعمار سد بزرگی دانسته است.

«تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد، در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج‌روی‌ها بوده‌اند.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۷۴)

اما از اجتهاد مصطلح در حوزه، مقدس‌مابی، تحجرگرایان و روحانی‌نمایان بارها نالیده است و حوزه‌ها را به هوشیاری و پیشنازی دعوت کرده: «حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند، و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۹۲)

استقلال دانشگاه‌ها، به روز شدن حوزه‌ها، پیوند این دو در کنار تعهد و تهذیب موجب سعادت یک ملت و کشور و اصلاح توسعه آن است:

«توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را بیمه می‌کند.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۲)

۳-۲) مراکز تبلیغی

توجه به مراکز تبلیغی همچون حوزه (حوزه هم به عنوان مرکز آموزشی و هم به عنوان مرکزی تبلیغی مورد نظر است)، سازمان تبلیغات اسلامی، مساجد و منابر و مجالس عزا و ... از جنبه‌های خاصی مورد توجه می‌تواند باشد. از جمله فراگیری زمانی و مکانی آن‌ها، ارتباط آسان عامه مردم با آن‌ها و نیز اعتمادی که مردم به این مراکز داشته‌اند از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که امر تبلیغ را آسان‌تر می‌نماید. چنانچه در تمام طول مبارزات مردم با استبداد به عنوان کانون‌های اصلی مبارزه مورد توجه بوده‌اند.

«تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون این که زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمع‌اند. اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب این که از همین مساجد، از همین جمعیت‌ها، از همین جماعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد.» (همان، ج ۱۷، ص ۵۵-۵۶)

به همین دلیل بر حضور مردم و مبلغان در این مراکز تصریح دارند:

«یک راه دیگر، این نماز عید و اجتماعات در عید است، در سالی دو مرتبه... نماز جمعه در هر هفته یک دفعه،... اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، این‌طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند نفر پیرزن و پیرمرد.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۵)

امام (ره) با توجه به اهمیت این مراکز، بعد از انقلاب، خواستار سرعت بخشیدن، منسجم‌تر شدن و گسترش دامنه فعالیت این مراکز در خارج از کشور هستند؛ ایشان در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی و جمعی از ائمه جماعات می‌فرماید:

«ما امروز موظفیم که تبلیغات را هرچه بیش‌تر تقویت کنیم و دولت و وزارت ارشاد موظف است که تبلیغات را در خارج تقویت کند و همه آقایانی که از اول اصل شأنشان تبلیغ بوده است، انبیا شأنشان تبلیغ بوده است، اولیاء خدا شأنشان تبلیغ بوده است، همه آقایان... که در تبلیغات دخالت دارند...، باید به سرعت خودشان [سرعت] زیادی بدهند، و تبلیغات خودشان را تسریع کنند. البته روی یک موازینی و روی یک نظامی و روی یک سازمانی که آن‌طور البته بهتر خواهد بود.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۵۳)

۳-۳ رسانه‌ها

رسانه‌ها همان‌گونه که در انتقال فرهنگ نقش اساسی دارند، در توسعه فرهنگی نیز یک عامل مهم به شمار می‌آیند. در میان رسانه‌ها به نظر می‌رسد که امام (ره) در مجموع به رادیو تلویزیون بیش از سایر مراکز اعتبار قائل بودند و حساسیت نشان می‌دادند. از نظر ایشان:

«رادیو تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست حساس‌تر است. رادیو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می‌تواند نه سینما می‌تواند نه تئاتر می‌تواند نه تبلیغات لفظی که در منابع است می‌تواند. برای این که این‌ها همه شعاعشان محدود است... تبلیغات تلویزیون می‌تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند یا این که منهدم کند.» (همان، ج ۹، ص ۱۵۴).

«اهمیت رادیو - تلویزیون بیش‌تر از همه است. این دستگاه‌ها دستگاه‌های تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند؛ یک دانشگاه عمومی است.» (همان، ج ۶، ص ۳۹۹)

مطبوعات نیز ابزار دیگری است که از نظر ایشان می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح فرهنگ داشته باشد. امام (ره) با بینشی عمیق و مردم‌گرایانه از این که رسانه‌ها در خدمت دولت باشد یا از منافع طبقه خاصی

حمایت کند، پرهیز داده (همان، ج ۱۹، ص ۳۶۳) و نقش رسانه‌ها و نشر را همچون جهاد و با اهمیتی همچون خون شهیدان می‌داند:

«آن که از همه خدمات‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد، و این به عهده مطبوعات است.» (همان، ج ۸، ص ۴۹۸) «اهمیت انتشارات مثل اهمیت خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۲۷)

۴. مبارزه با استبداد و مظاهر آن

از ویژگی‌های بارز اسلام مبارزه با دیکتاتوری، استبداد و مظاهر آن است. امام خمینی (ره) نیز که منادی اسلام در عصر ما بود مهم‌ترین هدف مبارزاتی‌شان را استبداد حاکم بر کشور قرار دادند که سرمنشأ همه عقب‌ماندگی‌ها و بی‌فرهنگی‌های حاکم بر روح ملت بود و اساساً فرهنگ‌سازی اسلامی و ملزومات آن با حاکمیت استبداد در تضاد است.

ایشان با همان نگرش اسلام، برای مردم‌سالاری دینی و انتخاب و رأی عمومی اهمیت و ارزش زیادی قائل بودند و بر آن تأکید داشتند که میزان رأی ملت است (همان، ج ۸، ص ۱۷۲) و انتخابات در انحصار هیچ کس نیست؛ نه در انحصار روحانیون است، نه در انحصار احزاب، نه در انحصار گروه‌هاست. حتی امام در دیدار با نماینده پاپ ژان پل ششم که برای وساطت آزادی گروگان‌های لانه جاسوسی آمریکا به ایران آمده بود، می‌فرماید:

«آقای پاپ این را بدانند که مسئله، مسئله‌ای نیست که من بتوانم بالشخصه حل کنم. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملت‌مان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم.» (همان، ج ۱۱، ص ۳۴)^۱

یکی از انگیزه‌های مهم امام (ره) از نشان دادن حساسیت برای مقابله با استبداد و مشارکت دادن مردم در امور سیاسی و تأکید بر مجلس و انتخابات و قانون، آن بود که از عوامل استبداد دیرپایی که در ایران بر فرهنگ عمومی حاکم بود به تدریج دور شده و آثار شوم استبداد که بر رفتار و روحیه ایرانیان مستقیماً تأثیر منفی بر جای گذاشته شده از بین برود. همچنین توصیه‌های پیوسته ایشان به مسئولین حکومت اسلامی بر مردمی بودن نیز از همین دست می‌باشد.^۲

۵. برداشت عملگرا و عقلانی از اسلام

۱. همچنین در موارد دیگری مثل قضیه بنی‌صدر می‌فرماید: «والله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی‌صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم» (همان، ج ۲۱، ص ۳۳۱).

۲. «شما می‌دانید که در جمهوری اسلامی، مقامات آن معنا که در سابق داشت از دست داده. نه رئیس‌جمهورش و نه نخست‌وزیرش و نه سایر وزرایش این‌طور نیست که خیال بکنند، خودشان خیال بکنند که ما یک مقام بالایی، والا مقام هستیم ... آن‌ها می‌بینند که ارزششان در بین جامعه، در همه جا این است که خدمت بکنند، خدمتگزار باشند، نه ارزش به این است که به مردم حکومت کنند. در جمهوری اسلامی، این معنا که هم مقامات آن مقاماتی که سابق تخیل می‌شد، نیست.» (همان، ج ۱۶، ص ۴۴۴-۴۴۵).

شیوه مهم دیگر امام (ره) برای فرهنگ‌سازی، نگاه متفاوت ایشان به دین در مقایسه با خیل عظیمی از علمای متقدم و متأخر اسلامی است. ایشان به بهانه «نمادگرایی سنتی»، عقاید اصلاح‌گرایانه را مردود ندانستند؛ همچنین «اصلاح‌طلبی» را به بهانه حفظ سنت و ارزش‌های مذهبی رها نکردند؛ بلکه ضمن حفظ مذهب و سنت و تعهد در برابر آن، به گونه‌ای آن را بازسازی کردند که در خدمت اهداف و مقاصد نوین قرار گیرد. به عبارت دیگر، امام خمینی (ره) نمادها و ارزش‌های دینی و سنتی را به گونه‌ای تفسیر یا از آن‌ها استفاده کردند که خصلت انقلابی و امروزی و عملگرا و عقلایی به‌خود بگیرند و قادر به ایجاد تحول و حرکت و اصلاح یا انطباق با شرایط و مقتضیات جدید باشند^۱. برخی از صاحب‌نظران، این شیوه امام را در اصلاح فرهنگ تحت عناوین «تجدید حیات‌گرایی»، «جریان تمدن‌مداری»، «راه سوم»، و «بنیادگرایی» یاد کرده‌اند (عابدی اردکانی، حضور، ۱۳۸۰، ش ۳۶).

از سوی دیگر این برداشت عملگرا و عقلانی از اسلام سبب ساختارشکنی حکومتی در جهان نیز شد؛ «چراکه بر اساس پارادایم دوره مدرن، نمی‌توان هیچ حکومت مدنی تشکیل داد مگر این‌که همه تعریف‌هایی که از فضیلت و اخلاق شده را زیر پا گذاشت؛ نمی‌شود هم جانب فضیلت‌ها را نگه داشت و هم حکومت کرد... امام (ره) تمام این مسائل را در هم شکست. یعنی نشان داد که انقلاب دینی معنی داشته، جایز و ممکن است چون آنها (غربی‌ها) حتی خود بحث امکان انقلاب را هم بعد از تحولاتی که در دهه‌های اخیر در فلسفه علم‌الاجتماع در غرب تحت عنوان مثلاً راسیونالیزم انتقادی صورت گرفت، منتفی اعلام کردند. فتوحات فکری و معرفتی انقلاب ایران بسا مهم‌تر و بنیادی‌تر از فتوحات سیاسی و اقتصادی آن است» (رحیم‌پور ازغدی، جام‌جم، ش ۸۷۸، ص ۸).

۶. نهادینه کردن ارزش‌ها

ریشه تمام ارزش‌های موجود در جوامع بر دو اصل ارزش الهی - ارزش مادی، استوار است. بر همین اساس، امام (ره) ارزش‌ها را به ارزش‌های الهی و شیطانی (مادی) طبقه‌بندی می‌نماید و معتقد است که مبنای ارزش‌ها در زمان طاغوت براساس ارزش‌های مادی بودند ولی ارزش‌های انقلاب اسلامی، بر اساس ارزش‌های الهی می‌باشد و اگر ارزش‌ها بر اساس امور مادی استوار باشد، عیب بزرگ این ارزش‌ها این است که مبدأ ارزش از خود ارزش بالاتر خواهد بود.

«اگر اسب مبدأ ارزش یک انسان شد، آن اسب ارزشش از انسان بیشتر است؛ برای این‌که او ارزش به انسان داده. اگر فرش و قالی و تجملات و بزک کردن و موچطور کردن و مد را از اطراف آوردن، این ارزش یک انسان را زیاد می‌کند، آن‌ها ارزششان بیشتر از این است؛ برای این‌که آن‌ها مبدأ ارزش هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۸۴)

۱. برای نمونه می‌توان به مسئله حج اشاره نمود که از زمان ایشان به بعد است که این فریضه علاوه بر بحث عبادی، جنبه سیاسی و فرهنگی نیز می‌یابد. همچنین می‌توانید به صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۵ مراجعه نمایید.

۲. همچنین می‌توانید به مقاله «دگرگونی معنای دین تحت رهبری امام خمینی (ره)»، عبدالعزیز ساجدینا؛ ترجمه سید مصطفی شهرآیینی، مجله متین، شماره ۱۹ مراجعه نمایید.

از نظر ایشان آنچه ارزش است، ارزش‌های الهی است که راه به سوی انبیا و ائمه دارد. و همواره انبیا و ایمان، تقوا، علم و مکارم اخلاق و همین‌طور هر آنچه که منشأ آن، نشأت گرفته از وحی و خداوند باشد را از اصول ارزشی اسلام می‌دانند. کار بزرگ امام (ره) در فرهنگ‌سازی این بود که با ضدارزش‌ها به مبارزه برخاستند و در عین حال ارزش‌های کم‌رنگ شده و یا فراموش شده اسلامی را بار دیگر احیا نمودند. ارزش‌هایی مثل جهاد، شهادت، توکل، ایمان به غیب، انتظار و ... و به تعبیر شهید مظلوم دکتر بهشتی «انقلاب ارزش‌ها» شکل گرفت. اما مهم‌تر از احیاء این ارزش‌ها، حفظ آن‌ها در جامعه است. با بررسی سخنان ایشان می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر، تمسک به روحانیت، دوری جستن از تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی و هوای نفس، ساده‌زیستی و بازگشت به خویشتن، برخی از مهم‌ترین راه‌های حفظ ارزش‌ها در جامعه هستند.^۱

۷. ایجاد وحدت کلمه و ترویج فرهنگ برادری

موضوع وحدت یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان امام (ره) است. وحدت از دیدگاه ایشان دارای ابعاد مختلف فقهی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی است که از تنوع موضوعی هم برخوردار است ولی به طور کلی محورهای توصیه‌های ایشان به بحث وحدت شامل فرق اسلامی، مستضعفین جهان، اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی، حوزه و دانشگاه، دولت و ملت و وحدت اجزا و عناصر دولت و حکومت اسلامی، مثل وحدت ارتشی و سپاهی، وحدت مسئولین و مدیران با کارمندان و مجریان امور می‌شود (فاضلی، حضور، ۱۳۷۴، ش ۶۰۵، ص ۵۶).

ایشان به عنوان بزرگ‌ترین فقیه عصر خود و مرجع اعظم شیعیان علاوه بر تأکیدات و توجهات خاصی که در گفتارها و پیام‌های خویش پیرامون وحدت ارائه می‌نمودند در رساله عملیه و فتاوی فقهی خویش نیز نهایت دقت و تلاش خود را در راه تحقق وحدت عملی مسلمین مبذول می‌داشتند. همچنین نفاق و وحدت را ناشی از عوامل درونی و شخصیتی انسان‌ها دانسته و بر این نکته تأکید داشتند که ریشه تمامی تفرقه‌افکنی‌ها در نفس انسان‌هاست:

«این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد، و افراد به منزله باشد، و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها، حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند.» (امام خمینی، شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، ص ۳۰۹-۳۱۰).^۲

و او که خود انسانی مهذب و نیالوده به این تیره‌گی‌ها بود مظهر وحدت و پرچمدار اتحاد واقعی همه مسلمین گردید.

۱. برای توضیح بیشتر می‌توانید به مقاله «امام خمینی (ره) و ارزش‌ها»، علی اختر شهر، ماهنامه پاسدار اسلام، دی ۱۳۷۹، شماره ۲۲۹ رجوع نمایید.

۲. به نقل از: (فاضلی، حضور، ش ۶۰۵، ص ۵۶)

۸. نگرش جهانی داشتن در فرهنگ‌سازی

طبق اصولی که ذکر شد، مبنای فرهنگ‌سازی امام (ره)، اسلام بود و از آنجا که دیدگاه اسلام دیدگاهی جهانی است، روشن است که در سیره ایشان به موازات فرهنگ‌سازی در کشور، بحث جهانی آن نیز مطرح شود.

از همین روی، مسائلی چون یاری همه مظلومان جهان از همان ابتدای مبارزات ایشان، در سخنانشان مشهود است.^۱ یاری مظلومان فلسطینی و نامیدن روزی به نام قدس، یاری مردم لبنان و یا حتی قطع رابطه با آفریقای جنوبی به دلیل رژیم آپارتاید آن و اعمال تبعیض نژادی در کشور آفریقای جنوبی همه از مصادیق این یاری هستند.

«تا بانگ لاله الأله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست، و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸)

از مصادیق دیگر نگرش جهانی ایشان توجه به تحولات کشورهای دیگر و انذار مسئولین حکومتی آنهاست که از نمونه‌های بسیار روشن آن می‌توان به نامه امام (ره) به گورباچف اشاره نمود. گورباچف در مصاحبه‌ای، ۱۱ سال بعد از دریافت نامه و زمانی که دیگر شوروی - طبق پیشگویی امام - وجود نداشت، می‌گوید: «آیت الله خمینی توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان بگذارد. من معتقدم که ایشان فراتر از زمان می‌اندیشید و در بُعد مکان نمی‌گنجید... او کسی است که برای جهان نگران است.» (خیاطی، جمهوری اسلامی، شماره ۶۵۳۲، ص ۸)

در واقع، انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ماه سال ۵۷ متولد شد، در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی، نگاه خاصی به تمدن و جهان‌بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد. هر چند تلاش زورمندان جهان، به ویژه در غرب، بر آن بوده است که همواره از انقلاب اسلامی ایران چهره‌ای ضدفرهنگی و متجاوز ترسیم نمایند، ولی رهبری فرزانه آن بر مفاهیم بکر و تازه‌ای که در روح انقلاب اسلامی موج می‌زند تکیه نموده و بر مشترکات آن با دنیا و اختصاصات منحصر به فرد آن، که در مکاتب گوناگون و جریان‌های فکری و نحله‌های مختلف دنیا موجود نیست، اصرار می‌ورزند؛ به گونه‌ای که معتقد به پویایی و برجسته کردن و مقاومت و بیان نمودن و ترویج آن اختصاصات هستند (سالار، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۵).

«ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۵)

از منظر ایشان مفهوم صدور انقلاب در واقع انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان است.

۱. برای مثال اخطار به دول اسلامی در قضیه فلسطین می‌باشد در شهریور ۱۳۴۳ در آغاز دروس حوزه (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۷۳).

«صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست ... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است، صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...»

و به طور کلی می‌توان گفت که منظور از صدور انقلاب، زمینه‌سازی قیام منجی عالم است:

«با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم‌الاولیاء و الاولیاء، حضرت بقیه الله - روحی فداه - فراهم سازید.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۸)

ذکر این نکته نیز لازم است که تمام مواردی که به عنوان مصادیق نگرش جهانی در فرهنگ‌سازی ذکر شد، خود مصادیقی از فعال و پویا بودن این فرهنگ و انفعالی نبودن آن است که باید در فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار گیرد.

۹. توجه به فرهنگ عامه و گسترش عدالت فرهنگی

از توجه خاص ایشان به مواردی همچون حج، مسجد، نماز جمعه و... که علاوه بر بُعد عبادی، جنبه اطلاع رسانی و تبادل افکار مردم با یکدیگر را مورد نظر قرار می‌دهد، تلاش ایشان در جهت گسترش عدالت فرهنگی هم به خوبی نمایان می‌شود. رفع موانعی که از رشد و تفکر خلاق انسان‌ها جلوگیری می‌کند و تأمین امنیت نویسندگان و کسانی که کار فرهنگی می‌کنند و لزوم آرامش و امنیت برای همه مردم - که همه از مؤلفه‌های عدالت فرهنگی می‌باشند - از اموری است که امام خمینی (ره) برای تحقق عدالت فرهنگی متذکر می‌گردد (کیخا، حضور، ۱۳۸۱، ش ۴۳).

برای نمونه می‌توان به تأکیدات ایشان در فراگیری سوادآموزی - که از مصادیق بارز توسعه عدالت فرهنگی است - اشاره کرد. ایشان با پیروزی انقلاب دستور تأسیس نهادی با عنوان «نهضت سوادآموزی» داد. و تعلیم و تعلم در آن را عبادت دانسته و همه افراد محروم از نعمت سواد را به یادگیری و علم‌آموزی فرا می‌خواند.

«مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۴۶)

مدیریت فرهنگ‌سازی

نکته آخری که بعد از اصول و شیوه‌ها در الگوی فرهنگ‌سازی باید مورد توجه قرار گیرد، مدیریت اجرایی فرهنگ است. نقش اساسی مدیریت در ترقی جامعه‌ها چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. بدون تردید هر جامعه‌ای که نردبان ترقی را پیمود از مدیریت شایسته برخوردار بوده است. در کشور ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و دستاوردهای مهم آن مرهون مدیریت توانای امام خمینی (ره) در روند انقلاب است. با بررسی سیره عملی امام (ره)، معلوم می‌شود که عامل مهم در مدیریت والای ایشان ایمان به هدف و مکتب بوده است. مدیریت امام (ره) از دیدگاه تکلیف‌گرایانه بود و ایشان بر اساس این دیدگاه که مأمور به تکلیفیم (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۴) عمل می‌نمود و جز به تکلیف فکر نمی‌کرد. ایشان در روند مدیریت خود راهی را پیمود و دستورهایی را به کار بست که از مکتبش الهام گرفته بود و به درستی آن ایمان داشت (صدقی، فرایند مدیریت

و توسعه، ۱۳۷۸، ش ۴۵-۴۶، ص ۱-۱۲). البته نباید از ویژگی‌های شخصی و توانایی‌های بالای مدیریتی ایشان غافل ماند. اخلاص در عمل، شجاعت، شناخت موقعیت‌ها و بصیرت، تدبیر، صراحت و پرهیز از مصلحت‌سنجی و ... همه از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود که ابزارهای مهمی در موفقیت هر مدیری است. بدین ترتیب با این شیوه مدیریت ایشان توانستند الگوی موفق در فرهنگ‌سازی به جهان عرضه نمایند. به امید این‌که امروزه ما نیز بتوانیم، در بستری که به همت خودشان ایجاد شد، ادامه‌دهنده این فرهنگ‌سازی باشیم.

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که امام خمینی (ره) منشأ و شالوده هر گونه حرکت و تحولی را در اجتماع «فرهنگ» می‌دیدند، بنابراین از نظر ایشان، مقوله فرهنگ‌سازی نحوه اصلاح و ابزارهای اصلاح آن، از جایگاه و اهمیت ممتازی برخوردار است که نمی‌توان و نباید از آن غافل شد. البته در جریان فرهنگ‌سازی باید به اصول آن که مهم‌ترین مبنا بودن اسلام است پایبند بود. همچنین همراهی همه اقشار جامعه، برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت و خودسازی را باید در نظر داشت. در این مسیر، تبیین روشن راه و اصول، خودباوری، استفاده از امکانات موجود، مبارزه با استبداد، نوع برداشت از اسلام، توجه به ارزش‌ها، ایجاد وحدت، نگرش جهانی، توجه به فرهنگ عامه و عدالت فرهنگی می‌توانند در فرهنگ‌سازی نقش عمده‌ای داشته باشند. ضمن اینکه ویژگی‌های شخصیتی و نوع مدیریت فرهنگی نیز در این الگو مؤثر خواهد بود.

منابع

- احمدی شاهرودی، محمدمهدی، توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه حضور، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۲۵.
- اختر شهر، علی، امام خمینی (ره) و ارزش‌ها، ماهنامه پاسدار اسلام، دی ۱۳۷۹، شماره ۲۲۹.
- بهداروند، محمد مهدی، چگونگی تبیین مؤلفه‌های اصلی فرهنگ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۵
- خیاطی، حسن، دعوت تاریخی، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۵۳۲، سال بیست و سوم
- رحیم‌پور ازغدی، حسن، پارادایم انقلاب دینی در اندیشه امام خمینی (ره)، روزنامه جام‌جم، ۱۳ خرداد ۸۲، سال چهارم، شماره ۸۷۸
- ساجدینا، عبدالعزیز، دگرگونی معنای دین تحت رهبری امام خمینی (ره)، ترجمه سید مصطفی شهرآیینی، مجله متین، شماره ۱۹.
- سالار، محمد، انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۵.
- ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، ج ۳، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۳.
- شبیانی‌فر، محمدحسن، امام خمینی (ره) و توسعه فرهنگی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۵.
- صحیفه امام، ۱۳۸۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، تهران
- صدقی، محمد، سیره امام (ره) در مدیریت الگویی برای موفقیت مدیران، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۴۵-۴۶، پائیز و زمستان ۱۳۷۸
- عابدی اردکانی، محمد، مقاله امام خمینی (ره) و اصلاح فرهنگ عمومی، فصلنامه حضور، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۳۶.
- عزتی، مرتضی، جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، مجله نامه پژوهش، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۵
- فاضلی، نعمت‌الله، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) پیرامون وحدت کلمه و کلمه وحدت، فصلنامه حضور، ش ۶۵
- فرامرز قراملکی، احمد، نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه حضور، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۲
- کیخا، نجمه، ساز و کارهای تحقق عدالت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه حضور، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۸۱.
- ماهنامه مهندسی فرهنگی، سخنرانی پروفسور حمید مولانا در اولین همایش مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۶ و ۷.